

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)  
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۴۰، پیاپی ۱۳۰، زمستان ۱۳۹۷

## اولین پنداره‌های عالمان مسیحی از ویژگی‌های فردی پیامبر اسلام (ص)<sup>۱</sup>

راضیه سیروسی<sup>۲</sup>

علیمحمد ولوی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۳۱

### چکیده

ظهور دین اسلام و گسترش سریع آن در جهان، با واکنش مسیحیان روبه‌رو شد. زیرا آنان اسلام را دینی رقیب می‌دانستند. نخستین موضع‌گیری‌ها، از سوی روحانیون کلیسا صورت گرفت. روحانیون و مبلغان مسیحی در متون خود، زندگی‌نامه مختصری از حضرت محمد (ص) ارائه دادند. آن حضرت در این آثار، شخصیتی وابسته، تأثیرپذیر، محیل، خودشیفته، ضداجتماعی و شهوت‌طلب ترسیم شده‌است؛ انگاره‌هایی که مستقیماً در شکل‌گیری تصورات غرب از پیامبر اکرم (ص) تأثیر داشته است. در زمان کنونی نیز، با وجود همه پیشرفت‌هایی که در مطالعات اسلام‌شناختی صورت گرفته، ذهنیت توده مردم و حتی بسیاری از عالمان مغرب‌زمین، از رسوبات این پنداره‌های منفی متأثر است. در مقاله حاضر بی‌آنکه در پی بررسی علت ظهور این‌گونه تصاویر در ذهنیت عالمان غربی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.20567.1662

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا (س)؛ r.sirousi@alzahra.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)؛ a.valavi@alzahra.ac.ir

باشیم، کوشش شده تا نسبت میان متغیرهایی چون محل نشو و نما، وابستگی سیاسی و رشته تخصصی عالمان مسیحی، با پنداره‌های آنان از پیامبر (ص) طی قرن هشتم تا چهاردهم میلادی، مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی بدین سؤال است که چه رابطه معناداری میان متغیرهای فوق و پنداره عالمان مسیحی از ویژگی‌های فردی پیامبر (ص) وجود دارد؟ نتایج نشان داد که عالمان مسیحی، با وجود تفاوت دوره زمانی، زادگاه و حرفه نویسندگان، پنداره واحدی از ویژگی‌های فردی پیامبر اسلام داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** پنداره، عالمان مسیحی، پیامبر (ص)، ویژگی‌های فردی.

### مقدمه

واکنش غرب مسیحی نسبت به دین اسلام و بالاخص حضرت محمد (ص)، با تهاجم اعراب مسلمان به حاشیه قلمرو امپراتوری بیزانس از اواسط قرن هفتم میلادی شروع شد. از این زمان، عالمان مسیحی سعی کردند تا با اقدامات تبلیغی و نگارش کتب، نبوت آن حضرت را زیر سؤال ببرند. یوحنا دمشقی<sup>۱</sup> از اولین عالمانی بود که آرای غرض‌آلود وی در مورد اسلام و پیام‌آور آن، تا مدت‌ها در ذهنیت مسیحیان باقی ماند و دیگر نویسندگان، به تکرار آن پرداختند. فتح آندلس به دست مسلمانان، گام دیگری بود که غرب مسیحی را به واکنش در برابر اسلام واداشت. این امر، کاملاً طبیعی بود که مسیحیان در برابر دین تازه‌ظهور، به مجادله برخیزند؛ خصوصاً که آن‌ها اسلام را رقیبی قدرتمند در برابر مسیحیت قلمداد می‌کردند. این موضع‌گیری پس از وقوع جنگ‌های صلیبی، شتاب روزافزونی به خود گرفت. دین اسلام در آثار نویسندگان غرب مسیحی، با تعصب افراطی بیشتری تصویر شد و با ارزش‌های دنیای مسیحی، مورد داوری قرار گرفت. گسترش دامنه مطالعات اسلام‌شناسی در غرب، سبب شد تا اولین ترجمه قرآن به زبان لاتین در قرن دوازدهم میلادی، به نگارش درآید. این ترجمه توسط رابرت کتونی به دستور پیتر مقدس،<sup>۲</sup> راهب دیر کلونی، صورت گرفت. این ترجمه بسیار مغلوپ و مغرضانه، مرجع آثار عالمان مسیحی قرون بعد قرار گرفت. غرب مسیحی، تمرکز ویژه‌ای بر شخصیت پیامبر (ص)، در اولین تصاویر ارائه شده از مذهب اسلام داشته که تاکنون نیز تداوم یافته‌است. بدین جهت ضرورت ایجاب می‌کند تا تحقیقی به بررسی‌تطور این تصویر، خصوصاً در نخستین آثار تولیدشده در غرب پردازد تا ریشه‌های ذهنیت امروزی غرب از پیامبر (ص)، اندکی بازکاوی شود. لایه‌برداری از رسوبات این

1. John Damascene

2. Peter the Venerable

ذهنیت متراکم، به‌ویژه در رابطه با چهره پیامبر(ص)، ضرورتی تام دارد. مقاله حاضر، تنها به بعدی از ابعاد این ذهنیت یعنی بازتاب ویژگی‌های فردی پیامبر(ص) توجه کرده است.

تاکنون، چندین اثر به مطالعه تصویر ارائه شده از پیامبر(ص) در غرب قرون وسطی پرداخته است. فریستو و بلانک (Frassetto, Blanks/1999)، ضمن بررسی مواضع نویسندگان اروپایی نسبت به اصل اسلام و اعتراف به تأثیر غیرقابل انکار اسلام بر غرب، نیم‌نگاهی به مواضع این گروه از نویسندگان نسبت به پیامبر اسلام(ص) داشته‌اند.

دی سزاره (Di Cesare/2012)، طیف گسترده‌ای از سفرنامه، وقایع‌نامه‌ها، داستان‌ها، اشعار، تاریخ عرب‌ها، جغرافیا و رساله‌های کلامی درباره پیامبر(ص) شناسایی کرده است. دقت او در گردآوری منابع ستودنی است، اما از ارائه تحلیل در مورد تصاویر ترسیم شده بازمانده است. مقاله حاضر، در شناسایی منابع تحقیق، از این اثر بهره جسته و چون دی سزاره، اطلاعات را به صورت نقل قول مستقیم آورده، منابعی که دسترسی به آن‌ها ممکن بود، به کتاب مذکور ارجاع داده شده است. کلیتون بنت، در کتاب «در جستجوی محمد»، به ارائه تصویر حضرت محمد(ص) در آثار غیرمسلمانان از آغاز پیدایش آن تا به امروز پرداخته و کوشیده است تقابل این تصاویر با آرای مسلمانان را نشان دهد. گرچه نویسنده با نگاهی جامع به ارائه تصویری کلی از پیامبر پرداخته، ولی به سبب استفاده از چند منبع تحقیقاتی و عدم رجوع به منابع اصلی، نتوانسته تصویری جامع از حضرت محمد(ص) در آثار غیرمسلمین ارائه دهد (Bennett, 1998). سازدن در کتابی با عنوان «دیدگاه غربیان از اسلام در قرون میانه»، برخی از انگاره‌های غرب نسبت به حضرت محمد(ص) را ذکر کرده است، اما در تفسیر چرایی تولید این پنداره‌ها در ابتدای قرون میانه، تنها بر جهالت و ناآگاهی نویسندگان تأکید کرده است (Southern, 1962). دیوید توماس در مقاله‌ای با عنوان «محمد در روابط مسیحی - مسلمان قرون میانه»، عصاره تصویر ارائه شده از پیامبر(ص) در غرب مسیحی را ارائه کرده است، اما استفاده از چند منبع محدود تحقیقی و ارائه‌گزینشی و مختصر، سبب شده تا بسیاری از موارد مغفول واقع شود (Thomas, 2014). نورمن دنیل در کتاب «اسلام و غرب»، به بررسی ملاحظات سیاسی و مذهبی دیدگاه غرب از اسلام و تعامل مسیحیان و مسلمانان از قرون وسطی تا دوره مدرن پرداخته است و به تناسب موضوع، برخی از انگاره‌های غرب نسبت به پیامبر(ص) را آورده است (daniel, 2009). جان تولان در کتاب خود با عنوان «دیدگاه مسیحیان قرون وسطی از اسلام»، نشان داد که مسیحیان قرون وسطی، اسلام را مجموعه‌ای از چالش‌های ناخوشایند ارائه داده و با توجه به منافع و تعصبات خود، فرهنگ اسلام را با شیوه‌های مختلف تصویر کرده‌اند (tolan, 2013).

آثاری که در زمینه تصویر ارائه شده از پیامبر (ص) در غرب، به زبان فارسی نگارش یافته‌اند، در عین ارزش و دقت فراوان، بر منابع محدود تمرکز داشته است. مرتضی اسعدی در کتاب مطالعات اسلامی در غرب، تنها سیر کلی مطالعات را مد نظر داشته و به ضرورت بحث، اطلاعاتی در مورد پنداره برخی از عالمان مسیحی ارائه داده است (اسعدی، ۱۳۸۱). مهم‌ترین اثری که به نوعی تطور انگاره غربیان دست یافته، کتاب «محمد (ص) در اروپا: هزار سال اسطوره‌سازی در غرب» می‌باشد، اما با وجود گستره موضوعی، مکانی و زمانی، بسیاری از منابع از دید نویسنده خارج مانده است. خصوصاً که در بررسی برخی از منابع به ذکر آنها در پژوهش‌ها اکتفا شده است (صمیمی، ۱۳۸۴). کتابی نیز به تازگی با عنوان «خاتم عشق» توسط مجید پورطباطبایی به نگارش درآمده است، اما همچنان نویسنده، تنها به آثار دست دوم و تراجم رجوع کرده است. بالطبع با این شیوه، بسیاری از منابع از دستور کار خارج شده است (پورطباطبایی، ۱۳۹۵). مجتبی مینوی در مقاله «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، به بررسی دیدگاه چند نفر از علمای مسیحی درباره اسلام پرداخته است (مینوی، ۱۳۷۵). دقت نظر نویسنده در بررسی آراء و نظرات مسیحیان و انتخاب هوشمندانه نویسنده‌گانی با دیدگاه متفاوت نسبت به پیامبر اسلام، از جمله نقاط قوت این مقاله می‌باشد. مرتضی خلیج اسعدی، در مقاله‌ای با عنوان «یوحنا دمشقی و آغاز مجادله کلامی»، علت پیدایش مواضع کلامی مسیحیت نسبت به اسلام را مقابله قرآن با تثلیث دانست که به صورت بنیادی‌ترین اصل اعتقادی مسیحیان پیرو کلیسای روم درآمده بود (خلیج اسعدی، ۱۳۷۵). بررسی پیشینه مذکور نشان می‌دهد که محققانی با هدف‌های مختلف مطالعاتی، به اولین انگاره‌های ارائه شده از پیامبر (ص) در اروپای مسیحی پرداخته‌اند، اما هدف پژوهش حاضر را پوشش نمی‌دهند، زیرا از ارائه تصویر جامعی از پیامبر در سده‌های نخستین ظهور اسلام بازمانده‌اند. دی سزاره که کامل‌ترین و جامع‌ترین مجموعه را در موضوع تصویر پیامبر (ص) در منابع لاتین قرون وسطی گردآوری کرده، از ۴۴ نویسنده نام برده که تا قرن چهاردهم میلادی، به موضع‌گیری درباره پیامبر اسلام پرداخته‌اند. نویسنده پس از مطالعه و بررسی دقیق منابع مورد استناد، ۲۸ نویسنده را شناسایی کرده است که به اظهار نظر صریح درباره ویژگی‌های فردی پیامبر (ص) پرداخته‌اند.

## تطورات انگاره‌ای عالمان مسیحی از ویژگی‌های فردی پیامبر (ص) تا قرن چهاردهم میلادی

از جمله اولین اقدامات عالمان مسیحی قرون وسطی، موضع‌گیری منفی نسبت به پیامبر (ص) بود. عالمان مسیحی علاوه بر بُعد اجتماعی و سیاسی زندگی پیامبر (ص)، که با جایگاه نبوت پیوستگی

بیشتری داشت، از جنبه فردی نیز اختلالات جسمی و روحی به آن حضرت نسبت داده‌اند. منظور از ویژگی فردی، خصلت‌هایی پایدار است که در سرشت فرد وجود داشته و ارتباط با دیگران، عامل شناسایی آن نمی‌باشد.

از جمله اختلالات رفتاری که عالمان مسیحی به پیامبر(ص) نسبت دادند، توهم خودبزرگ‌بینی است. کشیشانی که عیسی(ع) را فرزند خدا و برخوردار از هویتی ازلی معرفی می‌کردند و بر این باور، چنان پای می‌فشرند که کسانی چون آریوس را به دلیل مخالفت با این عقیده، تکفیر و محکوم کردند(رک: ناس، ۱۳۸۵: ۶۳۴)، پیامبر(ص) را فردی متوهم تصویر کردند که خیالات عجیبی را در سر می‌پروراند. هیو،<sup>۱</sup> راهب فرانسوی، پیامبر(ص) را فردی متوهم تصویر کرد که در گمان خود با فرشته‌ای از جانب خداوند سخن می‌گفت(Thomson, 2003: 171). بندیکت،<sup>۲</sup> اسقف مارسی، پیامبر(ص) را فردی هذیانی خواند که در خیالات خود با کبوتری در ارتباط بود و تعالیم دین خود را از او دریافت می‌کرد (Cerulli, 1949: 415). زیگبرت،<sup>۳</sup> حضرت محمد(ص) را فردی متوهم توصیف نمود که مدعی شد فرشته‌ای با وی سخن می‌گوید (Pertz, 1842: 323). ریچارد<sup>۴</sup> مدعی شد که حضرت محمد(ص)، به جهت بیماری‌اش در دنیای خیال، فرشته‌ای را می‌دید و با او سخن می‌گفت (Cluniacensis, 90 in: Di Cesare/166). ویلیام اورنج<sup>۵</sup> پیامبر(ص) را فردی هذیانی خواند که در تصورِ باطل خود، از طریق ارتباط با جبرئیل، آموزه‌های وحیانی را دریافت می‌کرد (Alvernus, 1674: 50 in: Di Cesare /253). ژاک دو ویتری<sup>۶</sup> مدعی شد که پیامبر(ص) در خیالات خود، صدای فرشته‌ای را می‌شنید و اوهام و خرافات درونی خود را از زبان او برای مردمش بیان می‌کرد (de Vitriaco, 2008: 109).

انتساب بیماری صرع به پیامبر(ص) که زیرمجموعه اختلالات جسمی قرار می‌گیرد، فراوانی گسترده‌ای در انگاره‌سازی از پیامبر(ص) داشته است. یوحنا دمشقی مدعی شد که پیامبر(ص)، حملات صرع خود را تحت عنوان پدیده‌ای خارق‌العاده، یعنی دریافت وحی از فرشته آسمانی پنهان کرد (Sahas, 1972: 75). پس از آن، نویسندگان مسیحی به پیروی از وی، این باور بی‌پشتوانه را رواج دادند، اما هیچ‌کدام اشاره نکردند که اگر دوستان پیامبر(ص) برای حمایت از مقام نبوت، مصروع بودن آن حضرت را پنهان داشتند، چرا دشمنان وی که تهمت‌های ناروایی به

---

1. Hugh of Fleury
2. Benedictus de Alignano
3. Sigebert of Gembloux
4. Richard of Poitiers
5. William of Auvergne
6. Jacobus de Vitriaco

آن حضرت منتسب می‌کردند، در این باره سخنی بر زبان نیاوردند؟! آناستاسیوس<sup>۱</sup> مدعی شد که پیامبر(ص) به دلیل ابتلا به بیماری صرع، از مردم دوری می‌گزید. حضرت خدیجه که رنجش شوهر خود را مشاهده کرد، پیشنهاد داد تا به مردم بگوید که تشنج وی به سبب نزول فرشته وحی است (Theophanes, 1885:2/209). ثوفانس<sup>۲</sup> بر آن بود که حضرت خدیجه، پس از اینکه از مصروع بودن شوهرش آگاهی یافت، بسیار نگران موقعیت اجتماعی خود به‌عنوان یکی از تاجران برجسته و ثروتمند مکه بود. به همین جهت پیامبر(ص) برای دلجویی از وی، مدعی شد که در زمان حملات صرعی، فرشته‌ای بر وی نازل می‌شده است (Theophanes, 1982:35). لاندولفوس<sup>۳</sup> بیان کرد که حضرت محمد(ص)، از بیماری صرع رنج می‌برد و تشنجات خود را تحت عنوان وحی، به مردم القا می‌نمود (Sagax, 1912:1/128 in: Di Cesare/58). ویلیام مالمسبوری<sup>۴</sup> بر آن بود که حضرت محمد(ص)، برای پنهان داشتن بیماری صرع خود، مدعی شد که با جبرئیل ارتباط داشته و اصول دین خود را از او دریافت می‌کرده است (Malmesbiriensis, 1987:173 in: Di Cesare/172). در قرن دوازدهم، هیو بیان کرد که وقتی حضرت خدیجه رنجش شوهر خود را از بیماری صرع دید، بحث سخن گفتن جبرئیل را مطرح نمود (Thomson, 2003: 171). ریچارد بر آن بود که حضرت محمد(ص)، برای پنهان کردن بیماری خود از خدیجه، وانمود کرد که در زمان حملات صرعی، فرشته‌ای با او صحبت می‌کرد (Cluniacensis/90 in: Dicesare/165). والتر<sup>۵</sup>، شاعر فرانسوی قرن دوازدهم، نیز پیامبر(ص) را فردی مصروع توصیف کرد که با شعبده و نیرنگ، مردم نادان را فریفت (Walter, 1977: in Michael, 1378:66). جرالند ولز<sup>۶</sup> بر آن بود که پیامبر(ص)، بیماری صرع داشت و همسرش از این باب، بسیار غمگین بود. او منظره‌ای از فرشته جبرئیل را در نظر می‌آورد و آرزوهای خود را از زبان او بیان می‌کرد (ibid: 69).

وینست<sup>۷</sup> پیامبر(ص) را فردی مصروع معرفی کرد که از بیماری‌اش، رنج بسیار می‌برد. به همین سبب، حضرت خدیجه به او پیشنهاد داد تا ادعا کند که در زمان حملات صرعی، فرشته‌ای بر وی نازل می‌شود (Bellovacensis/1624/612 in: Di Cesare/318). لوکاس دو توی<sup>۸</sup> (Tudensis, 2003:237) و متیو<sup>۹</sup> (Parisiensis, 1872:1/270)، عالمان مسیحی قرن سیزدهم، نیز به

1. Anastasius Bibliothecarius
2. Theophanes
3. Landulf Sagax
4. william of malmesbury
5. walter of Compiegne
6. Gerald of Wales
7. Vincent of Beauvais
8. Lucas de Tuy
9. Matthew Paris

تکرار این سخنان پرداختند. راجر ونداور مدعی شد که خدیجه، چون افسردگی شوهر خود را از بیماری صرع مشاهده کرد، به او پیشنهاد داد تا ادعا کند که فرشته‌ای از طرف خداوند بر وی نازل شده است (rogeofwendove, 1842:1/121). ژاک دو ویتری، هذیان سقوط را به آن حضرت نسبت داد که همسرش، برای اینکه احساس انزجار او از بیماری‌اش را از بین ببرد، پیشنهاد داد تا وانمود کند که به او وحی می‌شده است (de Vitriaco, 2008/109). تی‌ماروس<sup>۱</sup> بر آن بود که بیماری صرع پیامبر(ص)، موجب شد تا از مردم دوری گزیده و گوشه‌نشینی اختیار کند (Thetmarus, 1851/63). هیچ‌یک از این عالمان مسیحی مشخص نکرده‌اند که فردی مصروع چگونه می‌توانست خالق کتابی چون قرآن باشد که به جهت قالب، صورت بیانی و مضمون و محتوا، کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است.

عالمان مسیحی، با پافشاری بر یتیمی و فقر پیامبر(ص)، آن را به عقده حقارت مربوط دانستند که با افسردگی، کینه‌توزی به سبب ناکامی، تحمل رنج و خفت همراه بود. آنان بر این نظر بودند که حضرت محمد(ص) با ادعای نبوت، سعی کرد تا این کمبودها را پنهان یا انکار کند، اما این نکته از نظر آنان دور مانده است که چنین افرادی، در روابط بین فردی و اجتماعی خود دچار مشکل هستند و مردم از رفت‌وآمد با آنان کراهت دارند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳/۶۵۵). این در حالی است که پیامبر(ص)، نه تنها در میان خویشاوندان و دوستانش، حتی در میان کسانی که با آنان همسویی فکری نداشت، فرد محبوبی بود (رک: واقدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۱۸؛ ابن هشام، بی تا: ۵۳۲/۱). عالمان مسیحی از این امر غفلت ورزیدند که چطور فردی می‌توانست با چنین نقص بزرگی، مورد پذیرش طیف گسترده‌ای از مردم واقع شود. علاوه بر آن، وابستگی پیامبر(ص) به معتبرترین قبیله مکه، سیادت جدش عبدالمطلب بر مکه و جایگاه اجتماعی والا و منزلت رفیع آن حضرت را به فراموشی سپردند. نکته مهم این است که پدیده یتیمی، نسبت به بسیاری از انبیاء صادق است. از جمله حضرت عیسی(ع) اصولاً پدری در کنار خود نداشت و به همین جهت، فشارهای اجتماعی بسیاری را تحمل می‌کرد. مادرش در مظان اتهام بود و از هر سو مورد تحقیر و توهین قرار می‌گرفت. بنابراین، انتساب چنین اوصاف ناشایستی تنها بر پایه یتیمی پیامبر(ص)، امری کاملاً مغرضانه است، زیرا در این صورت می‌بایست چنین انتساباتی را در مورد انبیای دیگر نیز پذیرفت.

برای نخستین بار در وقایع‌نامه تئوفانس، به این مسئله اشاره شده و یتیمی پیامبر(ص) مایه حقارت و پستی قلمداد شده است که برای فرار از این شرایط، با بیوه‌زنی ثروتمند ازدواج کرد

(Theophanes, 1982:35). وی با قلب واقعیت گزارش تاریخی، خواستگاری حضرت خدیجه از پیامبر(ص) را مخفی کرد و نویسندگان پس از وی، به تکرار این سخنان پرداختند. آناستاسیوس حضرت محمد(ص) را فردی فقیر و یتیم معرفی کرد که به استخدام حضرت خدیجه درآمد و پس از مدتی، برای کسب ثروت، با وی ازدواج کرد. همین امر، زمینه ادعای پیامبری را در وی ایجاد کرد (theophanes, 1885:2/209). اولوجیوس<sup>۱</sup> پیامبر(ص) را فردی یتیم توصیف کرد که به استخدام زنی ثروتمند درآمد و به دلیل حقارت درونی، مدعی پیامبری شد (Eulogies, 1973, 2/400 in: Di Cesare /21). لاندولفوس بیان کرد که حضرت محمد(ص)، در خانواده‌ای فقیر متولد شد و در کودکی، پدر و مادر خود را از دست داد. به همین سبب، با خدیجه ثروتمند ازدواج کرد و مدعی نبوت شد (Sagax, 1912, 1/128 in: Di Cesare /58). زیگبرت بر آن بود که پیامبر(ص)، فردی یتیم و فقیر بود که به استخدام زنی تاجر به نام خدیجه درآمد، ولی بعد از مدتی برای کسب شهرت و ثروت، با وی ازدواج کرد (Pertz, 1842:323). پیتر مقدس، بزرگداشت پیامبر(ص) در قرآن را نشانه حس حقارت دانست. وی بر آن بود که آن حضرت، برنامه‌اش را طوری پیش برد تا با بزرگداشت مقام خود، حقارت درونی‌اش را از بین ببرد (Wibaldi and others, 1854:702). گودفری<sup>۲</sup> بر آن بود که یتیمی حضرت محمد(ص) در ابتدای دوره زندگی، سبب شد تا برای جبران کمبود دوران کودکی‌اش، نقشه ازدواج با تاجری ثروتمند را طراحی کند و پس از آن، مدعی پیامبری شد (Viterbiensis, 1949/417 in: Di Cesare/174). ریچارد بر آن بود که پیامبر (ص) با وجود فقر و یتیمی، نامزد ازدواج با زنی ثروتمند به نام خدیجه شد (Cluniacensis/90 in: Di Cesare/166). پطروس آلفونسی<sup>۳</sup> یتیمی و فقر حضرت محمد(ص) را عاملی برای احساس خودکم‌بینی دانست (Alfonsi, 2006:151). ویتری حس حقارت پیامبر(ص) را چنین توجیه کرد که آن حضرت، زمان بسیاری در فقر و فلاکت سپری کرده‌بود. پس از آن، به صورت ناگهانی و ازدواج غیرمنتظره ثروتمند شد. سپس به فکر غلبه بر ملت‌ها افتاد و مدعی پیامبری شد (deVitriaco, 2008:108). وینسنت یتیمی و فقر پیامبر(ص) در دوره کودکی را دلیل اصلی ادعای نبوت دانست و بر آن بود که آن حضرت می‌خواست مقامی بالاتر از پادشاهی بر ساراسنها به دست بیاورد. به همین سبب مدعی نبوت شد (Bellovacensis, 1624/916 in: Di Cesare /320). متیو، مورخ مشهور و راهب سنت البنز، حضرت محمد(ص) را یتیمی از بنی عبدمناف معرفی کرد که توانست با خدعه و نیرنگ، خدیجه را توجیه نماید تا با او ازدواج کند و

1. Eulogius of Cordoba  
2. Godfrey of Viterbo  
3. Petrus Alfonsi



پس از آن بود که مدعی شد از طرف خداوند، مأمور شده تا مردم را هدایت کند (Parisiensis, 1872:1/270). ویلیام، دومینیکن طرابلس، ادعای پیامبری را راهکاری برای سرپوش گذاشتن بر یتیمی و فقر، بیان کرد (William of Tripoli, 1992:196). ژاک دو وراجین<sup>۱</sup> یتیمی پیامبر (ص) در سنین کودکی را دلیلی بر حس حقارت آن حضرت دانست. به زعم وی، حضرت محمد (ص) با ساختن آیات سوره ضحی در مورد یاری خاص خداوند به خود، خواسته تا فرومایگی و زبونی خود را جبران نماید (de Voragine, 2012:575). رودریگو<sup>۲</sup> بر آن بود که حضرت محمد (ص) در دوران کودکی، به واسطه ازدست دادن پدر و مادر خود، رنج بسیاری متحمل شد، اما ازدواج با بیوه ثروتمندی به نام خدیجه، سبب شد تا مورد حمایت وی قرار گیرد (de Rada, 1999/88). تی ماروس حضرت محمد (ص) را یتیمی فقیر و نگهدارنده شتر، معرفی کرد که با زنی تاجر و ثروتمند ازدواج کرد و مدعی پیامبری شد (Thetmarus, 1851/63).

شهوت طلبی مفرط و بدون قاعده، دیگر ویژگی شخصیتی است که طیف وسیعی از منابع بر آن تأکید داشته‌اند. یوحنا دمشقی ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش را مستمسکی برای انتساب شهوترانی به آن حضرت قرار داد. وی بر آن بود که حضرت محمد (ص) برای سرپوش گذاشتن بر امیال نفسانی خود، آیه‌ای را ساخت تا این ازدواج را دستوری از سوی خداوند عنوان کند (Sahas, 1972:95). پس از آن، نویسندگان مسیحی به انحاء مختلف به تکرار این داستان پرداختند. غافل از این امر که زینب، دختر عمه رسول خدا (ص) بود و آن حضرت برای ازدواج وی با پسر خوانده‌اش زید واسطه شد. حتی پس از تصمیم زید به طلاق، با وی مخالفت کرد. هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که پیامبر (ص) با وجود علاقه شهوانی به زینب، زید را به ازدواج با او تشویق نماید. تنها بعد از بی‌ثمر ماندن اصرار پیامبر (ص) برای سازش زینب و زید و بعد از نزول حکم خداوند برای لغو حکم جاهلی، آن حضرت به زینب پیشنهاد ازدواج داد (الحمیری، بی تا، ۶۴۴/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ۸۸/۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ۲/۵۶۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ۶/۱۲۶).

البته می‌بایست توجه داشت که منابع اسلامی نیز در برداشت سوء و مغرضانه نویسندگان مسیحی سهم بوده‌اند. روایت نادرست دیدار حضرت محمد (ص) با زینب در غیبت زید و علاقه پیامبر (ص) به وی که منجر به طلاق از همسرش شد و در منابعی چون ابن سعد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۰/۸) و طبری (طبری، ۱۳۷۸: ۲/۵۹۲) نقل شد، دستاویزی در اختیار مسیحیان قرار داد تا بدان وسیله تهمت‌هایی به پیامبر (ص) انتساب دهند. از این نکته نیز نمی‌بایست غافل ماند که اولین منابع ضبط و

1. Jacobus De Voragine

2. Rodrigo Jiménez de Rada

ثبت زندگی‌نامه و سیره پیامبر(ص)، خود مسیحی و یا یهودیِ نومسلمان بوده‌اند. اعوجاجات رفتاری آنها در زندگانی شخصی نشان می‌دهد که آنان با ذهنیت پیشین، اقدام به نگارش تاریخ و سیره پیامبر(ص) کرده‌اند. ممنوعیت کتابت حدیث حداقل بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر(ص) و استمرار این رویه در عصر معاویه، مجموعاً قریب به نیم قرن موجب بروز انقطاعی جدی در انتقال اخبار صحیح از عصر پیامبر(ص) به ادوار بعدی شد. این انقطاع سبب شد تا اغلب روایات مربوط به سیره نظری و عملی پیامبر(ص)، به نسلی برگردد که در عصر رسول خدا، دوره کودکی را می‌گذراندند و یا مدت کوتاهی آن حضرت را ملاقات کرده بودند. در این زمان، میدان به دست قصه‌پردازان و آشنایان به افسانه‌های عربی و اسرائیلی افتاد که مورد حمایت دستگاه خلافت اموی بودند(ولوی، ۱۳۸۱: ۲۱۷)؛ افرادی چون محمد بن کعب قرظی که خود یهودی‌زاده بود و یا عبدالله بن ثوب خولانی(م ۶۲) از مهاجران یمنی که در شام به سیره و مغازی می‌گفت (الزرکلی، ۱۹۹۹: ۲۳۹/۳). از این نکته نیز نمی‌بایست غافل بود که محمد بن اسحاق، اولین و مهم‌ترین سیره‌نویس جامع، مسیحی‌زاده بود و تحت تأثیر روایان یهودی و مسیحی قرار داشت (ابن ندیم، ۱۸۷۲: ۹۲).

اولو جیوس مدعی شد که حضرت محمد(ص) نتوانست در برابر علاقه خود به زینب، همسر دوست و همراهش زید، مقاومت کند. به همین سبب مدعی شد که فرشته وحی بر وی نازل شده و دستور ازدواج با زینب را به او داده است (Di Cesare / 21 in: Eulogies, 1973, 2/400). گودفری بر آن بود که زینب به خاطر اختلاف با همسرش زید، از خانه بیرون رانده شد. حضرت محمد(ص) علاقه بسیاری به زینب داشت. به همین سبب وانمود کرد که فرشته وحی به او نازل شده و دستور ازدواج با زینب را داده است (Di Cesare/176 in: Viterbiensis, 1949:426).

راجر با ساختن داستانی خیالی مدعی شد که علاقه مفرط پیامبر(ص) به امور شهوانی سبب شد تا شبی در کاخ خود، به دلیل زیاده‌روی در مصرف شراب مسموم شود (roger de wendove, 1842:1/121). پطروس آلفونسی علاوه بر تکرار داستان ازدواج پیامبر(ص) با زینب (Alfonsi, 2006:154)، آن حضرت را فردی معرفی کرد که علاقه بسیاری به زنان داشت و با فخر فروشی ادعا می‌کرد که نیروی جنسی چهل مرد را دارد (Alfonsi, 2006/161)، اما وی این حقیقت را از نظر دور داشت که پیامبر(ص) بیست و پنج سال از بهترین ایام زندگی خود را تنها با یک زن که به تصدیق خودش بیوه هم بود، سپری کرد. پطروس آلفونسی توصیف نعمت‌های مادی و جسمانی بهشت را برخاسته از حس شهوانی پیامبر(ص) دانست (ibid/162). جرالذ ولز شرقیان را به دلیل آب و هوای گرم افرادی شهوانی و تنبل دانست و بر آن بود که این خصلت‌ها به

صورت افراط‌گونه‌ای در پیامبر(ص) وجود داشت (Giraldus, 1891:70). بندیکت بر آن بود که حضرت محمد(ص) به موجب حس شهوترانی خود، یارانش را به لذاتی چون مقاربت با زنان و مستی وعده می‌داد (Cerulli, 1949:415). رامون مارتی<sup>۱</sup> «علاقهٔ مفرط پیامبر(ص) به امور شهوانی را تا حدی دانست که به دلیل ارتباط زیاد با زنان در اواخر عمر، ضعف و سستی بر او غلبه یافت (300/ Di Cesare /300). نویسندهٔ کتاب زندگانی محمد(ص)، ازدواج پیامبر(ص) با خدیجه را نتیجه احساسی زودگذر و عشقی دورغین دانست. وی سن پیامبر(ص) را در این زمان، شانزده سال بیان کرد که قولی شاذ و بدون پشتوانه است. وی بیان کرد که شهوت طلبی حضرت محمد(ص) تا بدانجا بود که به همسر زیبای یکی از بندگان خود، زید، تمایل یافت و او را مجبور به طلاق همسرش کرد (211/ Di Cesare /211). متیو برای اثبات نسبت تمایلات شهوانی مفرط، ازدواج پیامبر(ص) با زینب را مثال زد. وی داستانی را نقل کرده که حضرت محمد(ص)، در غیبت زید به خانه او آمد، ولی زینب در را باز نکرد. به همین سبب پیامبر(ص) مدعی شد که از آسمان، آیه‌ای نازل شده تا با او ازدواج کند (348/3/ Parisiensis, 1872:3/348). وینسنت بر آن بود که حضرت محمد(ص)، قدرت شهوانی چهل مرد را داشت و برای ارضای تمایلات مفرط خود، همسران بسیاری اختیار کرد (323/ Di Cesare /323). (Vincentius, 1624/616 in: Di Cesare /323).

### بررسی و تحلیل

قرن هشتم میلادی، مصادف با دوره‌ای از تاریخ اسلام است که فتوحات به حد قابل توجهی گسترش یافته است. در این زمان حاکمیت اسلام بر بخش مهمی از آسیا و آفریقا تثبیت شد و مسلمانان در آستانه ورود به اروپا قرار گرفتند. در این قرن، عالمان مسیحی منطقه بین‌النهرین، شامات و فلسطین که پس از گنجی و سردرگمی ناشی از فتوحات برق‌آسای مسلمین، خود را باز یافته بودند، مقابلهٔ نظری با اسلام را آغاز کردند.

در میان شخصیت‌های شاخص این قرن، می‌توان از یوحنا دمشقی (۶۴۵-۷۵۰) نام برد. وی از آخرین آباء کلیسای شرق بود که سبب تحولاتی در الهیات کلیسا شد. یوحنا ابتدا در دربار خلافت اسلامی موقعیت ویژه‌ای داشت، اما پس از مخالفت خلیفه عبدالملک (۶۸۵-۷۰۵) با مسیحیان، از مقام خود برکنار شد. پس از آن بود که به صومعه‌ای در اورشلیم رفت و رهبانیت اختیار کرد. بیانیهٔ وی در مورد تمثال پرستی، با مخالفت شدیدی روبه‌رو شد و شورای کلیسا وی را

1. Raymond Martini

ملعون خواند، اما پس از تصویب تمثال پرستی از سوی شورای دوم نقیه، لقب معلم کلیسا را دریافت نمود. در این زمان بود که نزاع‌های عقیدتی میان اسلام و مسیحیت بالا گرفت و یوحنا در آن نقش بسزایی داشت (kotter,2002:7/951).

شخصیت دیگر تأثیرگذار این قرن، تئوفانس (۷۵۲-۸۱۸)، تاریخ‌نگار، راهب و قدیس مسیحی بیزانسی بود که در قسطنطنیه متولد شد. وی عضو انجمن آریستوکرات بیزانس بود و به دلیل مخالفت با تمثال‌شکنی، به دستور امپراتور لئو پنجم زندانی شد (charanis,2002:13,929).

پیشرفت اولیه مسلمانان در آندلس و فتح شبه جزیره ایبری در سال ۷۱۱ میلادی، سبب شد تا مسیحیان در برابر مهاجمان تازه‌وارد به واکنش برخیزند. نخستین چهره تأثیرگذار آندلسی در قرن نهم، اولوجیوس (م ۸۵۹)، راهب اهل کوردوبا بود که الهیات مسیحی را نزد علمای زمان خود فراگرفت. وی رهبری جنبش شهادت‌طلبی را داشت و پیروانش را تشویق می‌کرد که به پیامبر (ص) ناسزا بگویند تا خداوند بعد از مرگ، به آنان پاداش بهشت دهد (wreglesworth,2002: 11/43-44). دیگر نویسنده قرن نهم، آناستاسیوس کتابدار (۸۱۰-۸۷۸)، کاردینال مارسلو، در رم می‌زیست. وی کشیش کلیسای رم بود و در زمان رهبری پاپ نیکلاس (۸۵۸-۸۶۷)، راهب بزرگ سانتا ماریا در تیبیر شد. پس از آن، مقام ریاست آرشو کلیسای روم را داشت (kirsch,2002: 1/389-390).

در قرن دهم و یازدهم، با شروع جنگ‌های تجزیه‌طلبی در غرب، موضع‌گیری نسبت به پیامبر (ص) نیز کاهش یافت. تنها اثر یافت‌شده در قرن دهم، تاریخ روم می‌باشد. این کتاب اثری دنباله‌دار است که پاول دیکون آن را نوشت و لاندولفوس دنبال نمود. زیگبرت (۱۰۳۰-۱۰۷۰)، مورخ و شرح‌حال‌نویس قرن یازدهم، از کودکی وارد صومعه ژامبلو (شهری در بلژیک کنونی) شد. وی تحت تعلیم راهب بزرگ، آلبرت، قرار گرفت و پس از آن، به مدت بیست سال، به متر (شهری در فرانسه) رفت و الهیات مسیحی تدریس می‌کرد (williams,2002: 13/111).

از قرن دوازدهم میلادی که عصر گذار به دوره جدید آغاز شد، نویسندگان بیشتری به موضع‌گیری درباره حضرت محمد (ص) پرداختند. در آغاز قرن یازدهم، وایکینگ‌ها و اسلاوها مسیحیت را پذیرفتند و توجه غرب مسیحی به سوی مسلمانان جلب شد. در اواخر قرن یازدهم میلادی، مجلسی در شهر کلمون فرانسه برگزار شد و پس از مذاکرات طولانی، پاپ اوربان، دستور حمله مسیحیان را برای آزادی اورشلیم را صادر کرد (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۳۴: ۱۶/۱).

پیتر مقدس (۱۰۹۲-۱۱۵۶)، مهم‌ترین نویسنده قرون وسطی و اهل اوورنی فرانسه بود که علیه پیامبر (ص)، موضع‌گیری کرد. وی از دوره نوجوانی وارد صومعه شد و در سن بیست سالگی، به

مقام استادی رسید. پیتز سفری طولانی مدت به آندلس برای تحصیل در مطالعات اسلامی داشت و اولین نسخه لاتین قرآن را در آنجا منتشر کرد (Edwards, 2002: 11/207-8).

هیو (م ۱۱۳۵)، شرح حال نویسنده، مورخ و راهب فرانسوی مشهور قرن دوازدهم بود که به عنوان بندیکت سنت ماری شناخته می‌شد (Iacroix, 2002: 7/152). پطروس آلفونسی، پزشک، نویسنده، ستاره‌شناس و متکلم قرن دوازدهم میلادی است که در آندلس متولد شد. وی ابتدا بر دیانت یهود بود، ولی در سال ۱۱۰۶ مسیحی شد. پس از آن، در سال ۱۱۱۶ به انگلیس و قلمرو سلسله کاپسین‌ها (محدوده فرانسه امروزی) سفرهایی داشت (Kohut, 1906: 1/377).

ویلیام (م ۱۱۴۳-۱۰۹۰)، راهب مقدس، محقق و مورخ برجسته بریتانیایی، بین سال‌های ۱۰۹۰ تا ۱۰۹۵، متولد شد. وی از همان عنوان جوانی به عنوان راهب در ایالت مالمسبری خدمت می‌کرد و بعدها سمت کتابداری صومعه را به دست آورد (farmer, 2002: 14/743).

جرالد ولز (۱۲۲۳-۱۱۴۷/۱۱۴۸)، معاون اسقف، مورخ و نویسنده پرکار بریتانیایی، مدتی در پاریس به تحصیل در رشته قانون، الهیات و هنر پرداخت و پس از آن، به عنوان مبلغ جنگ صلیبی فعالیت کرد (corbett, 2002: 6/231).

گودفری (م ۱۱۲۰-۱۱۹۶)، مورخ و شاعر رم، کشیش دربار در دوره حکومت بارباروس و هنری ششم، برای مدتی در دوره کنراد دوم و فردریک بارباروسا، قاضی عسکر بود (dillon, 1383: 1/339). ریچارد (م ۱۱۴۷)، راهب فرانسوی و نویسنده اهل پواتیه بود که اثرش با عنوان وقایع نامه جهانی، شهرت فراوانی در اواخر قرون وسطی پیدا کرد. والتر، شاعر فرانسوی و راهب صومعه‌ای در تور (شهری در فرانسه)، قصیده‌ای با موضوع زندگانی حضرت محمد (ص) سرود و اطلاعاتش را از شوالیه‌ای فرانسوی که در اولین جنگ صلیبی شرکت کرده بود، دریافت کرد (Raby, 1934: 2\ 82).

از قرن سیزدهم، شمار نویسندگان افزایش قابل توجهی یافت. ژاک دو ویتری (۱۱۸۰-۱۲۴۰)، مورخ و واعظ جنگ‌های صلیبی، برای مدتی در پاریس، الهیات مسیحی را فراگرفت. وی به عنوان کشیش، تحت نظر حاکمیت فعالیت می‌کرد و این سمت را تا سال ۱۲۱۶ و انتخابش به عنوان اسقف حفظ کرد (mcdonnell, 2002: 7/693). لوکاس دو توی (م ۱۲۴۹)، اسقف و وقایع‌نامه‌نویس اهل توی، سفرهای فراوانی به بیت المقدس، رم، قسطنطنیه، قبرس، ارمنستان، و قلمرو سلسله کاپسین‌ها داشت (stephanes, 1392: 268). راجر ونداور<sup>۱</sup> (م ۱۲۳۶)، وقایع‌نامه‌نگار و راهب سنت البنز (شهری در بریتانیا)، در اثرش، شرح حالی از حضرت محمد (ص) آورده است

(Fuller, 1811: 1/142). وینسنت، (م ۱۲۶۴)، راهب دومینکن و نظریه‌پرداز، در شهر بووه فرانسه می‌زیست. متیو پاریس (۱۲۰۰-۱۲۵۹)، راهب بندیکت و بزرگ‌ترین وقایع‌نامه‌نویس قرن سیزدهم، برای مدتی مقام کتابت را در صومعه سنت‌البنز (ناحیه‌ای در بریتانیا) برعهده داشت (Geiger, 2002: 9/362).

ژاک دو وراچین، اسقف اعظم جنوا، وقایع‌نامه‌نگار و شرح‌حال‌نویس اهل رم، از همان اوان جوانی، وارد حزب دومینکن شد، مدارج دینی را به سرعت گذراند و در سال ۱۲۴۴، ریاست صومعه کومو (شهری در ایتالیا) را برعهده گرفت (Ott, 1913: 8/262).

رامون مارتی (م ۱۲۸۵)، نظریه‌پرداز دومینکن، متکلم و شرق‌شناس قرن سیزدهم، در دانشکده مطالعات عربی تونس و مطالعات عبری آندلس به تحصیل پرداخت و همچنین مشاور لویی چهارم در جنگ صلیبی شد (mulhern, 2002: 11/ 924). بندیکت (م ۱۲۶۳)، از راهبان فرقه فرانسیسکن و اسقف مارسی (شهری در فرانسه)، در جنگ‌های صلیبی حضور فعالی داشت و چندین بار به رم سفر کرد. ویلیام اورنج (۱۲۴۹-۱۱۸۰/۹۰)، استاد رشته الهیات بود و بیشتر از بیست سال، سمت اسقف پاریس را داشت (o'donnell, 2002: 14/736).

رودریگو خیمنس ردا (۱۱۷۱-۱۲۴۷)، اسقف اعظم تولدو و صدراعظم کاستیل، در جنگ‌های صلیبی شرکت فعالی داشت و نقشی کلیدی در جنگ علیه موحدان داشت (lomax, 2002: 14/882). در قرن سیزدهم، کتابی با عنوان «زندگانی محمد» در حوزه آندلس، به نگارش درآمد که نویسنده آن ناشناخته بوده و محور اصلی آن، ساختگی بودن معجزات منسوب به حضرت محمد (ص) است. تی ماروس، راهب قرن سیزدهم که در امپراتوری روم ژرمن می‌زیست، در شرح سفر خود به مکان‌های مقدس و ذیل بحث شهر مکه، از پیامبر (ص) سخن گفت.

فراوانی انگاره‌های ارائه‌شده از ویژگی‌های فردی				اطلاعات فردی				
شهرت طلب	خودشسته	مصروع	خودپروری بی‌نظم	تخصص	وابستگی به قدرت	حوزه جغرافیایی فعالیت	دوره زمانی مؤلف	نام نویسنده
*		*		الهیات	خدمت کار خلیفه دمشق، راهب اورشلیم	شام	۶۴۵	John Damascene
	*	*		الهیات، تاریخ	راهب و قاپوس عضو انجمن آریستوکرات بیزانس	فلسطینی- بیزانس	۸۷-۷۵۰	Theophanes

فراوانی انگاره‌های ارائه‌شده از ویژگی‌های فردی				اطلاعات فردی				
شهرت طلب	خودبینی	مصروع	خودبزرگ بینی، توهم	تخصص	وابستگی به قدرت	حوزه جغرافیایی فعالیت	دوره زمانی مولف	نام نویسنده
*	*			الهیات	کشیش و اسقف کوردویا	کوردویا اندلس	۸۵۹م	Eulogius Cordubiensis
	*	*		الهیات، تاریخ	کاردینال مارسلو، راهب سانتا ماریا، رئیس آرمنیو کلیسای روم	روم - ایتالیا	۸۷۸-۸۱۰	Anastasius Bibliothecarius
	*	*		تاریخ	-	روم - ایتالیا	قرن دهم میلادی	Landulphus Sagax
	*		*	تاریخ، الهیات	معلم صومعه - نویسنده مدافع امپراتور	بزرگ کنونی، سفر به قلمرو سلسله کاپسین‌ها	۱۱۱۲-۱۰۳۰	Siebert of Gembloux
		*		تاریخ، الهیات	راهب، کتابدار صومعه	انگلیس	۱۱۴۳-۱۰۹۵	William of Malmesbury
		*	*	تاریخ، الهیات	راهب	قلمرو سلسله کاپسین‌ها	۱۱۳۵م	Hugh of Fleury
	*	*		الهیات، تاریخ	راهب و رهبر مذهبی	قلمرو سلسله کاپسین‌ها، سفر به آندلس	۱۱۵۶-۱۰۹۲	Peter the Venerable
	*			پزشکی، نجوم، الهیات	ارتباط نزدیک با خاندان سلطنتی	آندلس، سفر به انگلیس و قلمرو سلسله کاپسین‌ها	۱۱۴۰ - ۱۰۶۲	Petrus Alfonsi
*		*		الهیات، قانون، هنر	دوئدار سلطنت و قاضی عسکر	انگلیس، سفر به قلمرو سلسله کاپسین‌ها	۱۱۴۷/۱۱۴۸-۱۲۲۳	Gerald of Wales

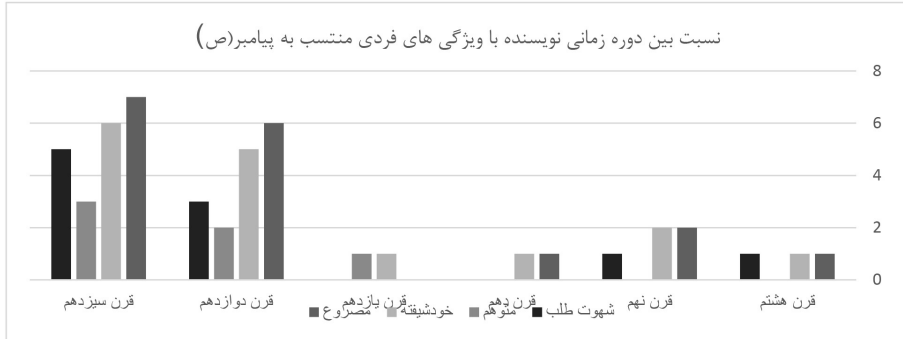
فراوانی انگاره‌های ارائه‌شده از ویژگی‌های فردی				اطلاعات فردی				
شبهت طلب	خودشمنیته	مصروع	خودبزرگ بینی، توهم	تخصص	وابستگی به قدرت	حوزه جغرافیایی فعالیت	دوره زمانی موافق	نام نویسنده
*	*			تاریخ، الهیات	کشیش دربار، قاضی عسکر	رم - ایتالیا	۱۱۹۶-۱۱۲۰	Godfrey of Viterbo
	*	*	*	تاریخ، الهیات، شعر	راهب صومعه	قلمرو سلسله کاپسین ها	۱۱۴۷م	Richard of Poitiers
		*		شعر، الهیات	راهب	قلمرو سلسله کاپسین ها	نیمه قرن دوازدهم	Walter of Compiegne
	*	*	*	تاریخ، الهیات	اسقف	قلمرو سلسله کاپسین ها	۱۱۸۰-۱۱۴۰	Jacobus de Vitriaco
		*		تاریخ، الهیات	اسقف نوی	آندلس - سفر به رم و قلمرو سلسله کاپسین ها	۱۱۴۹م	Lucas de Tuy
*		*		تاریخ، الهیات	راهب سنت البز	سنت البز - بریتانیا	۱۱۳۶م	roger de Wendover
*	*	*		تاریخ، الهیات	راهب دووینکن	قلمرو سلسله کاپسین ها	۱۱۶۴م	Vincent of beauvais
	*	*		تاریخ، الهیات	راهب	سنت البز - بریتانیا	۱۲۰۰-۱۲۵۹	Mathew Paris
	*	*		تاریخ، الهیات	اسقف اعظم جنوا	جنوا - ایتالیا	۱۲۱۶-۱۳	Jacobus de voragine



فراوانی انگاره‌های ارائه‌شده از ویژگی‌های فردی				اطلاعات فردی				
شهرت طلب	خودبینی	مصروع	خودبزرگ بینی، توهم	تخصص	وابستگی به قدرت	حوزه جغرافیایی فعالیت	دوره زمانی موافق	نام نویسنده
*				الهیات	راهب دو مینکن	تولدر	۱۲۸۵م	Raymond Martini
*			*	الهیات	اسقف مارسی	قلمرو سلسله کاپسین ها، سفر به بیت المقدس	۱۲۶۸م	Benedictus de Alignano
			*	الهیات	اسقف	قلمرو سلسله کاپسین ها	۱۱۸۰، ۹-۱۲۴۹	William of Auvergne
	*			الهیات، تاریخ	اسقف صدر اعظم کاستیل	آندلس، سفر به قلمرو سلسله کاپسین ها	۱۲۴۷-۱۱۷۱	Rodericus Ximenes de Rada
	*			تاریخ	-	آندلس	قرن سیزدهم	Author of vita mahometi
*				الهیات	راهب و مبلغ دو مینکن	طرابلس، اقامت در صور	۱۲۲۰-۱۲۷۳	william of tripol
	*	*		تاریخ، الهیات	راهب	امپراتوری روم زمین	نیمه اول قرن سیزدهم	Magister Thietmarus

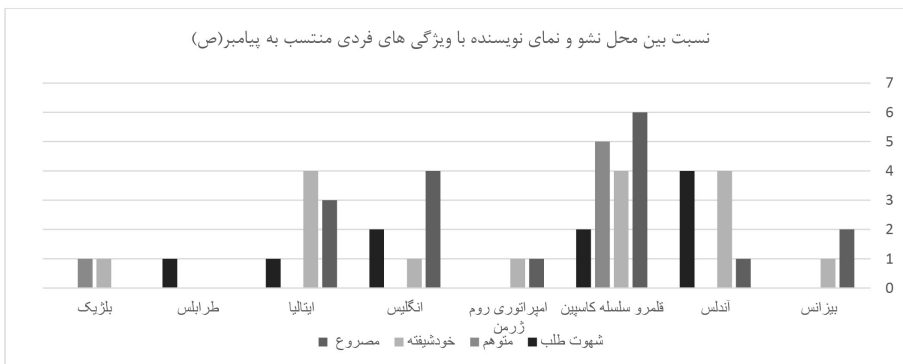
**تحلیل داده‌ها:**

**الف: دوره زمانی نویسنده**



انتساب بیماری صرع از قرن هشتهه میلادی در منابع بازتاب یافت. در قرن نههه دو نویسنده و قرن دههه، بک نویسنده، این نسبت را به پیامبر (ص) دادند. در قرن دوازدهه گزاره‌های انتساب صرع به حضرت محمد(ص)، ۶ مورد و در قرن سبزهه، ۷ مورد بود. انتساب عقده حقارت به پیامبر(ص)، در ۱۶ منبع یافت شد و در قرن هشتهه ۱ مورد، قرن نههه ۲ مورد، قرن دههه و یازدههه، ۱ مورد، قرن دوازدهه ۵ مورد و در قرن سبزهه ۶ مورد به این موضوع، اختصاص داشت. انتساب شهوت بدون حد و حصر به پیامبر(ص)، در ۱۰ منبع یافت شد که در قرن هشتهه و نههه، ۱ گزاره، قرن دوازدههه، ۱ گزاره، قرن دوازدهه ۲ گزاره و قرن سبزهه ۵ گزاره بود. فراوانی اختلال توهم، در قرن یازدههه ۱ مورد، قرون دوازدههه ۲ مورد و قرن سبزههه ۳ مورد بوده است.

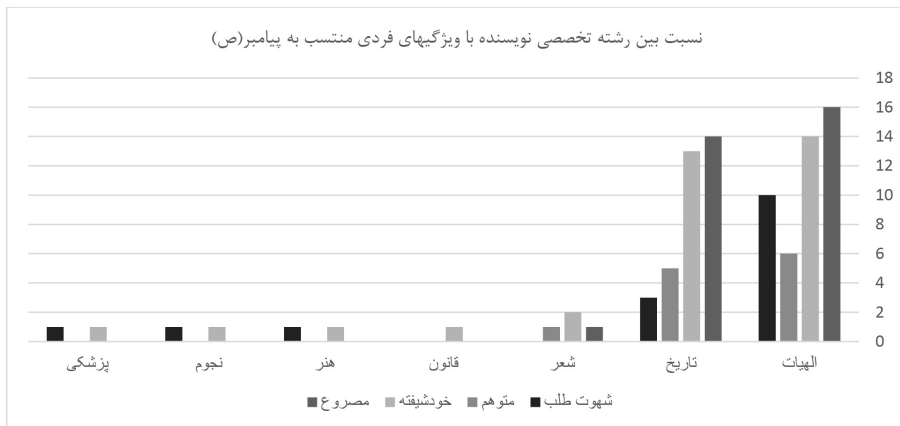
**ب: محل نشو و نمای نویسنده**



### ج: وابستگی به قدرت

تقریباً تمامی نویسندگانی که به موضع‌گیری در باب ویژگی‌های فردی پیامبر(ص) پرداختند، وابسته سیاسی بودند. آنها در سمت کشیش، راهب، قاضی، ریاست صومعه و رهبر مذهبی، به دین مسیح خدمت می‌کردند.

### د: رشته تخصصی نویسنده



نویسندگانی که پیامبر(ص) را فردی مصروع معرفی می‌کردند، ۱۵ نفر متأله، ۱۴ نفر مورخ و ۱ نفر شاعر بود. رشته تخصصی نویسندگانی که پیامبر(ص) را فردی خودشیفته ترسیم کردند، ۱۴ نفر الهیات، ۱۳ نفر تاریخ، ۲ نفر شعر و ۱ نفر در هنر و قانون، تخصص داشتند. اغلب نویسندگانی که به پیامبر(ص) انتساب شهوت‌طلبی دادند، یعنی ۱۰ نفر از آنها در رشته الهیات، ۳ نفر تاریخ و ۱ نفر شعر تخصص داشتند. رشته تخصصی هر ۶ نویسنده‌ای که پیامبر(ص) را متوهم دانستند، الهیات بود که از بین آنان، ۴ نفر مورخ و ۱ نفر، شاعر بوده است.

### نتیجه‌گیری

از نسبت‌سنجی‌های فوق، برمی‌آید که اولین انگاره‌های مسیحیان از پیامبر(ص) با وجود تفاوت در دوره زمانی، محل نشو و نما و تخصص، یکسان بوده است. شاید این امر را بتوان در انگیزه یکسان آن‌ها جستجو کرد. اولین امری که مسیحیت را به تقابل با اسلام واداشت، انگیزه سیاسی بود. تصرف سرزمین‌های مسیحی‌نشین امپراتوری روم شرقی و ورود سپاه اسلام به شبه جزیره ایبری، مسیحیت را بر آن داشت تا علاوه بر مبارزه در جبهه نظامی، به رد و نقض آرای مذهبی آنان

بپردازند. خصوصاً که تازه‌واردان مسلمان، انگیزه خود را از حمله به سرزمین‌های مسیحی‌نشین گسترش اسلام عنوان کردند. به تدریج، محرک‌های مذهبی نیز سبب شد تا مسیحیت با برنامه‌ریزی گسترده‌تری به تقابل با اسلام بپردازد. خصوصاً که دین اسلام، عقاید بنیادی کلیسا چون تثلیث را رد کرده و مسیحیت رایج را دینی معرفی کرد که از مسیر حقیقی خارج شده‌است. ترجمه قرآن به زبان لاتین در قرن دوازدهم میلادی، نقطه عطف این تقابل مذهبی به شمار می‌رفت. این ترجمه مغلوط و سراسر غرض‌آلود که تا پانصد سال بعد، مهم‌ترین مرجع شناخت دین اسلام به شمار می‌رفت، خود به وحدت رویه نویسنده‌گان در تصویرسازی اسلام انجامید. نکته مهمی که می‌تواند فتح باب پژوهشی جداگانه باشد، این است که اروپای مسیحی پس از مقابله نظامی با مسلمانان، دچار تناقض و تضاد شد. آنان پس از مشاهده پیشرفت‌های شگرف مسلمانان در معماری، حقوق، ادبیات، فلسفه و بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، در سردرگمی ماندند که چطور مردمی بی‌تمدن و جاهل، توانستند به چنین مرتبه‌ای برسند. افرادی که پیام‌آور دین آنها فردی چون حضرت محمد(ص) بود که در غرب مسیحی تصویری زشت و ناپسند داشت. بنابراین، بیشتر از موقعیت نظامی، ضعف فرهنگی بود که موجب شد تا تصویری منفی از اسلام پدید آید. بخشی از این خصومت، ناشی از ادامه اختلافات سیاسی و نظامی بود، اما بیشتر از نابرابری فرهنگی پیروی می‌کرد. بنابراین، اروپای مسیحی برای اینکه خود را در مقابل رقیب مسلمان کوچک می‌پنداشت، تلاش کرد تا با حقیر شمردن دشمن قوی خود و توهین به پیام‌آور آن، خود را باز یابد و از این طریق، پیشرفت کند.

## منابع و مآخذ

- ابن اثیر (۱۳۸۵). *الکامل*. بیروت: دار صادر.
- ابن سعد (۱۴۱۰) *الطبقات الكبرى*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ندیم، اسحاق بن محمد (۱۸۷۲). *الفهرست*. تصحیح گوستاو فلوگل. لایپزیک.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱). *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان*. تهران: سمت.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۳). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی*، ترجمه فرزین رضایی. تهران: کتاب ارجمند.
- پورطباطبایی، مجید (۱۳۹۵). *خاتم عشق*. تهران: سروش.
- حلبی شافعی، ابوالفرج (۱۹۷۱). *السيرة الحلبیه*، مصحح عبدالله محمد خلیلی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الحمیری، ابن هشام (بی‌تا). *السيرة النبویه*. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی. بیروت: دار المعرفة.

- خلیج اسعدی، مرتضی. «یوحنا دمشقی و آغاز مجادله کلامی». **مقالات و بررسی‌ها**. ۱۳۷۵. ش ۱۱۰۰. صص ۵۹-۶۴.
- رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر (۱۳۳۴). **تاریخ جنگ‌های صلیبی**. تهران: دفتر آسیای وسطی.
- الزرکلی، خیرالدین (۱۹۹۹). بیروت: دارالعلم للملایین.
- الطبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). **تاریخ الأمم و الملوک**. تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
- مینوی، مجتبی (۱۳۷۵). «اسلام از دریچه چشم مسیحیان». **محمد خاتم پیامبران**. تهران: حسینیه ارشاد.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). **المنازی**. تحقیق مارسدن جونس. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- ولوی، علیمحمد. «بررسی تأثیر علایق خانمانی و رسوبات اندیشه دینی نومسلمانان بر ضبط سیره و تاریخ زندگانی پیامبر (ص) قبل از ابن اسحاق». **فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء**. شماره ۴۳. پاییز ۱۳۸۱. صص ۲۰۸-۲۳۷.

## References

- Alhımyar, I.H. (n.d). Al-Sīrah al-Nabawīyah. M. Alsiķā. & I. Alabyārī. & 'A. Shalbī. (Editors). Dār al-Ma'rifah, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Altabarī, M. Dj. 2009. Tārīkhī al-Umam wa al-Mulūk. M.A. Ibrāhīm. (Editor). Dār al-Turāth, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Alzarkī, Kh.A. 1999. Dār al-'Ilm Lil-Mulāyīn, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- American Psychiatric Association (APA). 2015. Rāhnamāyi Tashkhīṣī wa Āmārīyi Ikhṭilālḥāyi Rawānī. F. Riḏāī. (Translator). Arđjūmand, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- As'adī, M. 2003. Muṭāl'ātī Islāmī dar Gharbī Ingilīsī Zabān. SAMT, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Bennett, C. 1992. Victorian Images of Islam. British Library Cataloguing, London. (In English) (**Book**)
- Blank, D., M. Frassetto. 1999. Western Views of Islam in Medieval and Early Modern Europe. Palgrave Macmillan US, New York. (**Book**)
- Cerulli, E. 1949. Libro della scala e la question delle fonti arabo-spagnole della Divina commedia, Biblioteca apostolica, Vaticana. (**Book**)
- Corbett, J.A. 2002. Gerald of Wales. New Catholic Encyclopedia. Vol.6. Gale Publishing, United States. (**Book**)
- Daniel, N. 2009. Islam and the West: The Making of an Image. One world, United Kingdom. (**Book**)
- De rada, R.J. 1999. Dialogus libri vite. Brepols. (**Book**)
- De Vitriaco, J. 2008. Histoire Orientale. Brepols. (**Book**)
- De Voragine, J. 2012. The Golden Legend. Princeton University Press. (**Book**)
- Di Cesare, M. 2012. The Pseudo-Historical Image of the Prophet Muhammad. Berlin. (**Book**)
- Dillon, J. 1383. Godfrey of Viterbo, Medieval Italy: An Encyclopedia, Christopher Kleinhenz, Routledge, Mordad. (**Book**)
- Edwards, P. 2002. Peter the Venerable, New Catholic Encyclopedia. Vol.11. Gale Publishing, United States. (**Book**)

- Farmer, H. 2002. William of Malmesbury, New Catholic Encyclopedia. Vol.14. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Fuller, T. 1811. The History of the Worthies of England, England. **(Book)**
- Geiger, M.V. 2002. Matthew Paris. New Catholic Encyclopedia. Vol. 9. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Giraldus, C. 1891. Giraldi Cambrensis Opera. John Sherren Brewer. Cambridge University, London. **(Book)**
- Gratius, O. 1690. Appendix ad fasciculus rerum expetendarum et fugiendarum, Chiswell. **(Book)**
- Ḥalabī Shāfī. 1971. al-Sīrah al- Ḥalabīyah. ‘A.M. Khalīlī. (Editor). Dār al-Kutub al-‘Ilmiyah, Beirut. (In Arabic) **(Book)**
- Ibn Athīr. 2007. Al-Kāmil. Dār al-Šādīr, Beirut. (In Arabic) **(Book)**
- Ibn Nadīm, I.M. 1872. Al-Fihrist. G. Flügel. (Editor). Leipzig. **(Book)**
- Ibn Sa’d. 1990. Al-ṬabaḲāt al-Kubrā. M.‘A. ‘Aṭā. (Editor). Dār al-Kutub al-‘Ilmiyah, Beirut. (In Arabic) **(Book)**
- Khaladī As‘adī, M. 1997. Yūḥanyī Dimashḳī wa Āghāzī Mudjādilyih Kalāmī. Malt wa Barrisīhā, No.1100. P: 59-64. **(Journal)**
- Kirsch. 2002. Anastasius Bibliothecarius. New Catholic Encyclopedia. Vol.11, Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Kotter, H. 2002. John Damascene. New Catholic Encyclopedia. Vol.7. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Lacroix, B. 2002. Hugh of Fleury, New Catholic Encyclopedia. Vol.7. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Lomax, D.W. 2002. Rodrigo Jiménez de Rada. New Catholic Encyclopedia. Vol. 14. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Mcdonnell, E.W. 2002. Jacobus de Vitriaco. New Catholic Encyclopedia. Vol.7.Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Mīnawī, M. 1997. Islām az Darīciyah Čašmi Masīḥīyān; Muḥammad Khātami Payāambarān. Ḥusiyānīyih Irshād, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Mulhern, P.F. 2002. Raymond Martini. New Catholic Encyclopedia. Vol. 11. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- O’Donnell, J.R. 2002. William of Auvergne. New Catholic Encyclopedia. Vol. 14. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Ott, M. 1913. Blessed Jacopo de Voragine. The Catholic Encyclopedia. V. 8. Robert Appleton Company, New York. **(Book)**
- Parisiensis, M. 1872. Chronica Majora. Longman. **(Book)**
- Pertz, G.H. 1842. Chronica et Annales aevi Salici, Bibliopolii Aulici. **(Book)**
- Pūr Ṭabāṭabāī, M. 2017. Khātami ‘Ishk. Surūsh, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Raby, F. J. E. 1934. A History of Secular Latin Poetry in the Middle Ages. Clarendon Press, Oxford. **(Book)**
- Raḥīm Zādih Šafawī, ‘A.A. 1956. Tārīkhī Djanghāyī Šalībī. Middle East, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Robinson, J. 1978. A New General Biographical Dictionary, London. **(Book)**
- Roger de Wendove, O. Octavius.1842. Chronica sive flores historiarum, Sumptibus Societatis, London. **(Book)**
- Sahas, D.1972. John of Damascus on Islam: The "Heresy of the Ishmaelites. Brill, Leiden. **(Book)**
- Southern, S.W.1962. Western Views of Islam in Middle Ages. Harvard University, Cambridg. **(Book)**
- Theophanes. 2002. New Catholic Encyclopedia. Vol.13. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Thomson, R. 2003. William of Malmesbury, Boydell Press. Boydell Press, Britain. **(Book)**

- Tolan, J. 2013. Medieval Christian Perceptions of Islam: A Book of Essays. Routledge, London. **(Book)**
- Tudensis, L. 2003. Chronicon Mundi, Brepols. **(Book)**
- Wākidī, M.‘U. 1989. al-Magħzī. M. Jones. (Editor). Al-‘A‘lamī, Beirut. (In Arabic) **(Book)**
- Walawī, ‘A.M. 2002. Barrisiyi Ta’thīri ‘Alāyiki Khāndānī wa Rusūbāti Andīshiyih Dīniyi Nūmusalmānān bar Ḍabṭi Sīrih wa Tārīkhi Zindigāniyi Payāambar (PBUH) Kabl az Ibni Ishāk. Quarterly of Human Science Al-Zahra University, (43): 208-237. **(Journal)**
- Wibaldī, A. and Others.1854. Petri Venerabilis abbatis Cluniacensis noni opera Omnia, Migne. **(Book)**
- Williams, S. 2002. Sigebert of Gembloux. New Catholic Encyclopedia. Vol.13. Gale Publishing, United States. **(Book)**
- Zeir, M.1995. Vincent of Beauvais. Routledge Revivals: Medieval France, William W. Kibler, Grover A. Zinn, London. **(Book)**